



صبری بالاتر از صبر جمیل / بانویی که مطیع محض امام زمانش بود

حضرت زینب(س) در مقابل امام زمانش که برادرزاده‌اش است، برای خود هیچ جایگاهی قرار نداده و در همان لحظات اولیه از امام سجاد(ع) کسب تکلیف می‌کند. آری! زینب(س) بانویی است که عرفان اسلامی را با عمل و رفتار خویش ظاهر ساخت.

حضرت زینب(س) در مقابل امام زمانش که برادرزاده‌اش است، برای خود هیچ جایگاهی قرار نداده و در همان لحظات اولیه از امام سجاد(ع) کسب تکلیف می‌کند. آری! زینب(س) بانویی است که عرفان اسلامی را با عمل و رفتار خویش ظاهر ساخت.

به گزارش خبرنگار آیین و اندیشه خبرگزاری فارس، امروزه بازار عرفان و zwnj&های کاذب و دروغین گرم است و چه بسا بزرگان کسانی که به اسم عرفان، سالکان الهی را به راه و رسم باطل خود مشغول کرده و وقت و عمر آنها را تلف می‌کنند. شناخت عرفان ناب و اصیل اسلامی که بر اساس قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام، شکل گرفته باشد کار سختی نیست. فقط کافی است که به زندگی برترین اولیای الهی نگاهی انداخته و مسیر صحیح سلوک را دریابیم. در این یادداشت به تجلی عرفان اسلامی در سیره عاشورایی حضرت زینب(س) می‌zwnj&پردازیم.

معامله با «الله»؛ یک عارف راستین، لحظه لحظه عمر خویش را با خدا و معبودش معامله می‌zwnj&کند. راضی به رضای حضرت حق است و عمل و عبادت خود را در پیشگاه کبریایی خداوند هیچ بر می‌zwnj&شمرد. حضرت زینب(س) هنگامی که با بدن قطعه قطعه و خون آلود برادر روبرو شد؛ زبان به شیکوه و گلایه باز نکرد؛ بلکه با دستانش بدن را بالا آورد و از ژرفای معرفت و معنویت خویش با خداوند چنین مناجات کرد: «إِلَهِی تَقَبَّلْ مِنَّا هَذَا الْقُرْبَانَ؛ پروردگارا این قربانی را از ما قبول فرما.»

بله نه تنها حضرت زینب(س)، بلکه تمام آل محمد علیهم‌السلام، خود را در برابر اراده الهی تسلیم می‌zwnj&دانستند و از این رو می‌zwnj&بینیم که زینب کبری(س) در آن لحظه سراسر عاطفه و حماسه، به فکر معامله با الله است.

هر چه از دوست رسد نیکوست
وقتی اهالی ایمان حب شدیدی نسبت به خدا دارند، خداوند درباره آنها در قرآن کریم فرموده است: «وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ؛ کسانی که ایمان آورده‌zwnj&اند، در دوستی خدا سخت‌ترند.»؛ باید اهالی عرفان بیش از اینها به خداوند عشق بورزند و کدام بنده واقعی و عارف راستین است که به خود اجازه چون و چرا در مقابل آن معشوق را دهد؟ چنین عارفان و سالکان کوی دوست، هر آنچه را که از آن دوست حقیقی رسد را نیکو بر می‌zwnj&شمارند و تماماً آن را زیبایی می‌zwnj&دانند.

از این رو وقتی ابن زیاد با آن همه سرمستی، غرور و تکبر، از حضرت زینبی که چند برادر، چندین برادرزاده و فرزند را از دست داده، می‌zwnj&پرسد وقایع را چگونه دیده؟ پاسخ می‌zwnj&شنود: «مَا رَأَيْتُ إِلَّا حَمِيلًا؛ جز زیبایی ندیدم.»؛ و ادامه می‌zwnj&دهد: «هَؤُلَاءِ قَوْمٌ كَتَبَ اللَّهُ عَلَيْهِمُ الْقَتْلَ فَبَرَزُوا إِلَى مَضَاجِعِهِمْ وَ سَيَجْمَعُ اللَّهُ بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُمْ قَتْحًا وَ تَخَاصُمَ قَانِطِرٍ لِمَنْ رِلْمَ الْقَلْبُجُ؛ یَوْمَئِذٍ؛ خداوند شهادت را برای آنان مقدر کرده بود؛ به سوی مشهد خود شتافتند. به رِلْم؛ زودی خداوند تو و آنان را در یک رِلْم؛ جا جمع خواهد آورد و در پیشگاه الهی حجت خود را اقامه خواهید کرد، در آن روز خواهی دید پیروزی و سربلندی و رستگاری از آن کیست؟»

در این فراز حضرت زینب(س) نه تنها از خداوند گله‌zwnj&ای ندارد؛ بلکه بسیار راضی است از اینکه برادر و عزیزانش نقش بندگی خود را به خوبی به انجام رساندند و با بهترین مرگ‌zwnj&ها به سوی معبود خود شتافتند. حال حضرت زینب(س) می‌zwnj&داند که وظیفه‌zwnj&اش صبر است تا به واسطه آن به اجر بی‌zwnj&حساب الهی نایل آید. پس صبر می‌zwnj&کند و آن را با شکر در می‌zwnj&آمیزد که خداوند فرموده است: «إِنَّمَا يُوفِي الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ؛ صابران بی‌zwnj&حساب اجر می‌zwnj&برند.»

صبری بالاتر از صبر جمیل
نه تنها حضرت زینب(س) اهل صبر جمیل بود؛ صبری که در آن هیچ شکایتی وجود ندارد و در تعریف آن امام باقر(ع) فرمودند: «ذَلِكَ صَبْرٌ لَيْسَ فِيهِ شَكْوَى؛ إِلَى النَّاسِ؛ آن صبری است که در آن به مردم گله و شکایتی نمی‌zwnj&شود.»؛ بلکه ایشان همواره حمد و ستایش الهی را بر زبان جاری می‌zwnj&ساخت.

در مجلس ابن زیاد و دارالاماره كوفه فرمود: $\text{اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ}$; الَّذِي ; $\text{اَكْرَمَنَا بِنَبِيِّهِ}$; مُحَمَّدٍ وَ طَهَّرَنَا مِنْ الرَّجْسِ تَطْهِيراً وَ اِنَّمَا يَفْتَضِحُ الْقَاسِقُ وَ يَكْذِبُ الْفَاجِرُ وَ هُوَ غَيْرُنَا $\text{}$; ستایش خدایی را كه به ما بزرگی بخشید به سبب پیامبرش محمد(ص) و ما را از هرگونه آلودگی پاک كرد و همانا فاسق را بی $\text{}$ و دروغ گناهكار را بر ملا كرد و او غير از ماست. $\text{}$

در مجلس یزید نیز حضرت زینب(س) اینگونه خطبه خواند: $\text{اَلَا لَعْنَةُ اللّٰهِ عَلٰی الظّٰلِمِيْنَ}$; $\text{فَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِيْنَ}$; الَّذِي خَتَمَ ; $\text{يَاوَلِنَا يَالسَّعَادَةِ وَ الْمَغْفِرَةِ وَ لآخِرَتَا يَالشَّهَادَةِ وَ الرَّحْمَةِ وَ نَسْأَلُ اللّٰهَ اَنْ يُكْمِلَ لَهُمُ الثَّوَابَ وَ يُوجِبَ لَهُمُ الْمَزِيْدَ}$ ای لعنت خدا بر ستمگران و حمد و سپاس مخصوص خداست كه اولین ما را سعادتمند و مورد مغفرت قرار داد و آخرین ما را به شهادت و رحمت رساند. از خدا می $\text{}$ خواهیم كه ثواب آنها را كامل كند و مقام آنها را بیافزاید. $\text{}$

آری چه مجلس كوفه یا شام و چه در خطبه $\text{}$ های كوچه و بازار آن دو شهر، نه تنها شكایتی از حضرت زینب شنیده نشد؛ بلكه آنچه دیده شد حمد و ستایش الهی و درك حضور خدا بود.

ظلم ستیزی

قرآن كريم كفر و ظلم را با يكديگر يكسان گرفته و درباره آن فرموده است: $\text{وَ الْكَافِرُونَ هُمُ الظّٰلِمُونَ}$ ؛ و كافران خود ستمكارانند. $\text{}$ عارف حقیقی كه به دنبال چشیدن معرفت الهی است باید با كفر و ظلم بجنگد و سر سازش با آن دو نداشته باشد. پس یکی از نشانه $\text{}$ های عارفان حقیقی ظلم ستیزی و برخورد فعالانه با ظالم است. بنابراین اگر کسی ادعای عرفان داشت و در عین حال با ظالم سازش كرد؛ بویی از عرفان نبرده و در دامن كفر غوطه $\text{}$ زور است. حضرت زینب(س) كه اسوه عارفان است؛ هر آنچه فریاد دارد بر سر ظالمان فرو آورده است. یزید را $\text{}$ یابن الطلقاء؛ فرزند آزادشدگان $\text{}$ خوانده و به او گفته: $\text{يٰدِينِ اللّٰهِ وَ دِينِ اَبِي وَ دِينِ اَخِي اهْتَدَيْتَ اَنْتَ وَ جَدَّكَ وَ اَبُوكَ اِنْ كُنْتُ مُسْلِمًا}$ ؛ اگر مسلمانی! به دین خدا و دین پدرم و دین برادرم هدایت شده $\text{}$ ای، تو و جدت و پدرت $\text{}$ و وی را فرمانروای فحاش و ظالم معرفی کرده است.

مطیع ولایت و امامت

عرفان اسلامی همان تصدیق و اطاعت از خدا و اولیاء الهی است. وقتی از امام باقر(ع) سؤال می $\text{}$ شود كه معرفت خدا چیست؟ حضرت پاسخ می $\text{}$ دهند: يُصَدِّقُ اللّٰهَ ; وَ يُصَدِّقُ ; $\text{مُحَمَّدًا رَسُوْلَ اللّٰهِ فِي مَوَالَاةٍ عَلَيَّ وَ اِلَايْتِمَامٍ يَهْ وَ يَأْتِمَةُ الْهُدَى مِنْ بَعْدِهِ وَ الْبِرَاءَةُ اِلَى اللّٰهِ مِنْ عَدُوِّهِمْ وَ كَذَلِكَ عِرْقَانُ اللّٰهِ}$ ؛ تصدیق خدا و پیروی از او و از ائمه هدایتگر بعدش و دوری جستن از دشمن آنها و این است عرفان الهی $\text{}$.

حضرت زینب(س) كه بعد از كشته شدن امام حسین(ع) نزدیکترین فرد به رسول خدا(ص) است؛ در مقابل امام زمانش كه برادر زاده $\text{}$ اش است و سن كمتری هم نسبت به او دارد؛ برای خود هیچ جایگاهی قرار نداده و خود را در همان لحظات اولیه، مطیع حضرت سجاد(ع) قرار داده و از ایشان كسب تكلیف می $\text{}$ كند. حتی آنقدر ذوب در ولی خدا شده كه در راه او جانفشانی كرده و جان حضرت زین العابدین(ع) را نجات می $\text{}$ دهد. هنگامی $\text{}$ كه ابن زیاد تصمیم به كشتن حضرت سجاد گرفت این حضرت زینب بود كه برادرزاده را در آغوش كشید و فرمود: لَا اَفَارُقُهُ ; فَاِنْ قَتَلْتَهُ ; $\text{فَاَقْتُلْنِي مَعَهُ}$ ؛ به خدا قسم او را تنها نمی $\text{}$ گذارم. اگر او را می $\text{}$ كشی پس مرا هم با او بكش. $\text{}$ با چنین رفتاری بود كه حضرت زینب(س) جان امام زمان خویش را نجات داد. بعد از واقعه سنگین عاشورا تا پایان اسارت، گزارش $\text{}$ های تاریخی حاکی از مقام عرفانی بلند حضرت زینب کبری(س) است. بانویی كه درس عرفان اصیل اسلامی را به تمام بشریت داده و برای سالکان راه حق، طریق صحیح سلوك را نمایان ساخت.